

مرکز موسیقی مسیحیان ایرانی
www.farsipraise.com

FARSIPRAISE
Ministries, Inc.

با خوشحالی و مسرت به اطلاع
عموم می‌رساند: برنامه تلویزیونی
سیمای مسیح هم اکنون، هر
چهارشنبه و پنجشنبه
در تلویزیون محبت.



آدرس اینترنتی

www.Mohabat.tv

www.SimaMasih.com

فرکانس این کانال در خاورمیانه،
اروپا و ایران بر روی ماهواره

Hot Bird 6 Xp: 130

Downlink Freq: 11117

Downlink Polarity: V

Symbol Rate: 27500

FEC: 3/4

کلیسای سفیران مسیح
از شما فارسی‌زبانان
عزیز دعوت بعمل
می‌آورد تا در جلسات
عبادت‌ی این کلیسا که هر
یکشنبه ساعت ۳ بعد از ظهر
برگزار می‌گردد

حضور بهم رسانید.

21300 Califa St.

(between De Soto & Canoga)

Woodland Hills, CA 91367



تلفن اطلاعات:

(۸۱۸) ۵۲۲-۱۵۲۵

۳ می، روز ملی دعا

۱۳ می، روز مادر

۱۷ می، صعود مسیح

۲۷ می، عید پنتیکوست

ماهنامه تبديل

سال دوم، شماره ۱۹، می ۲۰۰۷

اگر مایل هستید که ماهنامه تبديل را بطور مرتب و ماهانه دریافت کنید با دفتر ما تماس بگیرید.



...وقتی که شاگردان
مسیح همی تگرستند،
عیسی بالا برده شد و
ابری او را از چشمان
ایشان ربود. و چون
بسوی آسمان چشم
دوخته می‌بودند،
هنگامی که او میرفت،
ناگاه دو مرد سفیدپوش
نزد ایشان ایستاده،
گفتند: ای مردان
جلیلی چرا ایستاده،
بسوی آسمان بالا تگرانید؟ همین عیسی که از نزد شما به
آسمان بالا برده شد، باز خواهد آمد به همینطوری که او
را بسوی آسمان روانه دیدید. کتاب اعمال فصل ۱۱ آیات ۹ الی ۱۱



و چون روز پنتیکاست رسید، به یکدل در
یک جا بودند. که ناگاه آوازی چون صدای
وزیدن باد شدید از آسمان آمد و تمام آن خانه
را که در آنجا نشسته بودند پُر ساخت. و زبانه‌های
منقسم شده، مثل زبانه‌های آتش بدیشان ظاهر
گشته، بر هر یکی از ایشان قرار گرفت. و همه
از روح القدس پُر گشته به زبانهای مختلف، به
نوعی که روح بدیشان قدرت تلفظ بخشید، به
سخن گفتن شروع کردند. کتاب اعمال فصل ۲ آیات ۱ الی ۴

عید پنتیکاست مبارک



مادرم شبنم گلبرگ حیات
مادرم وسعت دریای گذشت
مادرم آئینه حجب و حیا
مادرم سنگ صبور دل من
مادرم شهر امیداست و هنر
مادرم باغ خزان دیده دهر
مادرم موی سپید کرده زحزن
مادرم کوه وقار است و کمال



پنج جوان ترک مسلمان که همگی آنها حدود ۲۰ سال داشتند برای مطالعه کتاب مقدس
به جمع مسیحیان دعوت شده بودند آنها آمده بودند تا پیام مسیح را بشنوند. در
هنگام مطالعه کتاب مقدس بود که برنامه گناه آلود خود را انجام دادند آنها میخواستند
بدینگونه از اسلام دفاع کنند. چگونگی قتل آنها بطور خلاصه در زیر آمده است.
تیلمن را ۱۵۶ چاقو زدند. نکاتی را ۹۹ چاقو. اوگر را آنقدر چاقو زدند که از شمارش
خارج است. آنها تمام این شکنجه‌ها را با تلفن دستی خود فیلمبرداری میکردند.
انگشت‌های آنها را قطع کردند. بینی، دهان، و مقعد آنها را بریده و پاره کردند. گلو آنها
از گوش تا به گوش با چاقو بریده شد. سر آنها را هم بریدند. سوزانه همسر تیلمن بعد
از قتل همسرش در تلویزیون ترکیه چنین گفت: به آنهایی که این کار را انجام دادند،
من میخوام عمیقاً از درون قلبم همان حرفی را بزنم، که عیسی بر روی صلیب
گفت، پدر آنها را ببخش زیرا نمیدانند چه میکنند. من هرگز فکر نکرده‌ام تا از آنها
انتقام بگیرم. آنها را میبخشم. برای اینکه واقعاً، آنها نمیدانند چه انجام داده‌اند.



آیا مایل به دریافت کتاب مقدس

به زبان فارسی هستید؟

لطفاً با دفتر ماهنامه تماس بگیرید.

۸۱۸ . ۵۲۲ . ۱۵۲۵

EXPERT ONE
INSURANCE AGENCY

AUTO • HOME • LIFE • HEALTH • BOAT
BUSINESS • COMMERCIAL • BOND • PET

Tel: 818. 887. 2300
Fax: 818. 887. 2311
Cell: 818. 402. 8252
Toll-free: 877. 786. 6777

6007 FALLBROOK AVENUE
WOODLAND HILLS, CA 91367
BehnazGhiasi@hotmail.com
www.expertoneins.com



Behnaz Ghiasi
President
Lic. # 0E04310

نبرد روحانی

قسمت سوم



دکتر دیوید یانگی چو

از آنجایی که تمام گناهان ما از طریق مصلوب شدن عیسی بخشیده شده است، ما بخشیده شده و عادل گشته ایم. خداوند، بدین طریق فیض عظیم نجات خود را نمایش گذاشته است. بنابراین، در بر کردن زره عدالت خدا بدین معنی است که نشان بخشش، «از طریق ایمان به عیسی مسیح، عادل محسوب شدیم» را در بر نماییم. زره، سینه های ما را از ضربه های شمشیر و تیرها، محافظت میکند. چنانچه اطمینان نداشته باشیم که بخشیده شده ایم، با حمله های شریر از پای در خواهیم آمد. کتاب مقدس به ما میفرماید: *کشف انجیل را به پا کنید تا به همه جا رفته، پیغام انجیل را به همه اعلام نمایید.* اول قرن نوزدهم، باب دوم آیه هشت و نه میفرماید، حتی بزرگان این دنیا نیز آن را درک نکردند، زیرا اگر درک میکردند، «خداوند جلال» را به صلیب نمیکشیدند. کتاب آسمانی میفرماید: *که خدا برای دوستان خود، چیزهایی تدارک دیده است که هیچ انسانی هرگز ندیده، نشنیده و به فکرش نیز خطور نکرده است.* خداوند به ما میفرماید که کشف انجیل سلامتی را که او مهیا نموده است، بیا نماییم که از قدرت فکری ما فراتر است. خداوند نمیخواهد که ما با پاهای برهنه مسابقه دهیم، بلکه کشف انجیل سلامتی را پوشیده، محافظت شویم. چه نوع کفشی باید پوشیم؟ ما باید کفشهای بخشش و عدالت، محبت خدا و پری روح القدس، وعده های شفا از بیماریهای جسمانی و روانی، وعده برکات و رهایی از لعنتها و فقر و نیز کفشهای حیات جاویدان و ملکوت آسمان را بپا نماییم. ما باید این نوع کفشها را هر روزه بپا نماییم تا زندگی موفق داشته باشیم. به پا نمودن این کفشها در حکم پیروزی است. اگر تلاش نماییم به اتکای خود زندگی کنیم، شکست خواهیم خورد. لیکن وقتی در قدرت خداوند ساکن باشیم، موفق خواهیم شد. به همین دلیل است که ما باید، پاهای خود را با آمادگی انجیل سلامتی مجهز نماییم. ما باید کفشهای ایمان را بپا نموده به جلو گام برداریم. از آنجاییکه ما کفشهای بخشش و عدالت را به پا کرده ایم، می توانیم از

ما معبد روح القدس هستیم.

آگوستین چنین نوشته است: اگر حکم میشد که برای روح القدس معبدی از چوب و سنگ بسازیم، در اینصورت گواه روشنی از الوهیت او میداشتیم زیرا که پرستش تنها سزاوار خداست. اما ما گواه روشنتری برای الوهیت روح القدس داریم، و آن این است که لازم نیست برای او معبدی بنا کنیم، بلکه باید معبد او باشیم. روح القدس باید خدا باشد چرا که کفرگویی در قبال او تنها گناه نابخشودنی است. حضور روح در زندگی ایماندار باید اساسی باشد.



یهودیانی که به سامره می رفتند، زندگیشان در معرض خطر قرار میگرفت زیرا که مکروه سامریها بودند. باین حال، پطرس و یوحنا جانانشان را به خطر انداخته، با یک هدف به آنجا رفتند تا ایمانداران را از روح القدس بهره مند سازند. بدون روح القدس، تمام اعمال مذهبی بیهوده است، همانند چراغ برای نابینایان یا موسیقی برای ناشنویان. مسیح تعمد گرفت زیرا که میدانست که بعد از آن روح بر او نازل خواهد شد. این نیز باید در همه اعمال مذهبی، هدف ما باشد. هرگاه کسی روح مسیح را ندارد وی از آن او نیست. رومیان ۸: ۹



برنامه نیایش و تدریس کتاب مقدس
چهارشنبه ها ساعت ۷ بعد از ظهر
یکشنبه ها ساعت ۱۲ ظهر
کلیسای باپتست دوم،
هوستون، تکزاس
تلفن اطلاعات:
۶۰۸۵ - ۴۱۰ (۷۱۳)

سر مقاله



... خدا را نظر به ظاهر نیست، بلکه هر امتی که از او ترسد و عمل نیکو کند، نزد او مقبول گردد.

دوستان عزیز، درودهای خود را تقدیمتان میدارم. تحت شرایطی این قسمت را می نویسم که از هر طرف خبرهای خوب و بد را همچنان می شنوم. حال اینکه بسیاری از این رویدادها صرفاً بخاطر خودخواهی های انسان است. بسیاری از ما فارسی زبانان نیز خود را از دیگران برتر میندازیم؛ بخاطر نژادمان، سوابقمان، مقاممان، مذهبمان و... قافل از اینکه خدا همه ما را به یکسان مینماید و آن هم گناهکار! آنچه که بر همه ما عیان است، کج روی و عصیان است که در طی سالهای اخیر ملت ما بر علیه قدوسیت خدا داشته ایم. اخبار هم تأیید کننده این ادعا از جانب نویسنده میباشند. آمار طلاق، فحشاء، اعتیاد، زندانها، کینه های قومی و مذهبی! و از همه بدتر بت پرستی و خرافه گویی باعث شده تا لعنت و بدبختی وارد زندگی ما شود. کاش به جای این همه کفر و ناعدالتی، کاش در عوض این همه مرگ براین و آن گفتن ها، قلوب خود را برای خدا بگشاییم و از همه گناهانمان توبه کنیم. خدای عادل در پی کسانی میگردد که اعمال نیکو دارند، کسانی که میخواهند خدا را خشنود سازند. او قادر است شرایط زندگی ما را تبدیل کند، آنچه که نزد انسان غیر ممکن است، خدا بر آن قادر است. عزیزان به خداوند اعتماد کنید.

الناتان باغستانی، لس آنجلس می ۲۰۰۷

حمایت مالی شما از ماهنامه تبديل باعث رشد آن خواهد شد.

ماهنامه تبديل

The Change

مدیر مسئول: الناتان باغستانی

ناشر: سازمان خدماتی ایران برای مسیح

Tabdil@iranforchrist.com
www.IRANforChrist.com

TEL: 818. 522. 1525

Iran for Christ ministries

P. O. Box 371043 Reseda
CA, 91337 USA

این ماهنامه حق دارد که مقالات و آگهی ها را چاپ کرده و یا رد کند.

We have the right to refuse publishing.

مفهوم صعود مسیح



عیسای مسیح بعد از قیام از مردگان، ۴۰ روزه به شاگردان خود ظاهر میشد و بعد به آسمان صعود نمود اما اهمیت صعود در چیست؟ بدون شک آنها از رفتن مسیح خیلی ناراحت و متأسف بودند. چرا لازم بود که مسیح آنها را ترک

کند؟ او الآن کجاست و چه می‌کند؟ در وهله اول، کلام خدا نشان میدهد که مسیح در دست راست خدای پدر نشسته است. استیفا، اولین شهید مسیحی، مسیح صعود کرده را دید و این حقیقت را تأیید کرد (اعمال رسولان ۵: ۲۷-۶۰). مسیح هم وقتی که با شاگردان خود و مریم صحبت می‌کرد، به صعود خود اشاره نمود (یوحنا ۱۴: ۵ و ۲۰: ۱۷). پس مسیح الآن چه می‌کند و از صعودش چه نتایج میتوان گرفت؟

مسیح سلطنت می‌کند؛ کاملاً روشن است که خدای پدر، مسیح را به حرمت و عزت سرفراز نمود و الآن او در جلال سلطنت می‌کند. در پایان زمان، این حقیقت برای همه آشکار خواهد شد که مسیح همه جا سلطنت می‌کند. ولی هم اکنون خدا او را مافوق هر سلطه و اقتدار و قدرت و پادشاهی و هر مقام دیگر قرار داد (افسیان ۱: ۲۱). خود مسیح می‌فرماید: تمام قدرت در آسمان و بر روی زمین به من داده شده است (متی ۲۸: ۱۸). درست است که شرارت ادامه دارد و فقط وقتی که مسیح برگردد، نجات کامل را دریافت خواهیم کرد. اما صعود مسیح نشانه‌ای است از اینکه نجات تکمیل شده و آن پیروزی غائی خواهد آمد. هم اکنون مسیح جای مخصوصی برای ما آماده می‌سازد. مسیح سلطنت می‌کند. او بطور خاص بر مطیعان خود سلطنت می‌کند. مسیح برای ما شفاعت میکند؛ یوحنا می‌نویسد: ای فرزندان من این را به شما می‌نویسم تا گناه نکنید و اگر کسی گناهی کند، شفيعی داریم نزد پدر یعنی عیسی مسیح عادل (اول یوحنا ۲: ۱). عیسی مسیح مثل یک وکیل مدافع است که از ما دفاع می‌کند. بنابراین نه فقط گناهان گذشته ما بخشیده شده، بلکه اگر الآن مرتکب گناهی شویم، او ما را شفاعت میکند. می‌گویند وقتی استیفا مسیح را در دست راست خدا ایستاده دید، در حقیقت مسیح را بعنوان مدافعش دید. مانند شخصی در دادگاه که می‌ایستد و از طرف دوستش سخن می‌گوید. (اعمال رسولان ۷: ۵۶). خداوند صعود کرده، بمایاد آوری میکند که اثرات کار تمام شده او برای ابدیت دوام دارد. اداها دارد...



AfghanSearch.com

Your Search Ends Here...

www.AfghanSearch.com

منجی صلح به سلامتی به خانه‌اش برگشت

شیلوه - جیمز لونلی گروگان آزاد شده کانادایی گفت اسارت ۱۸ روزه وی در عراق در عین سخت بودن بسیار آموزنده بوده است. او به جمعیتی که در فرودگاه به استقبال او آمده بودند گفت: ما در مکان تاریکی وارد شدیم اما به فیض خدا بالاخره دوران تلخ تمام شد و ما آزاد شدیم. لونلی و دو منجی صلح دیگر به سلامتی آزاد شدند. اما متأسفانه جسد تام فاکس یکی دیگر از اعضای تیم آنها در بغداد کشف شد. به احتمال زیاد این فرد در یکی از بمب گذاریها به قتل رسیده است. لونلی در سخنرانی خود از تمام کسانی که برای او دعا کرده بودند تشکر کرد و گفت امیدوار است بتواند از تجاربی که در این دوران به دست آورده در خدمت‌های بعدی



خود برای صلح استفاده کند. او از خداوند خواست تا صلح را در عراق بر پا کند تا مردم این کشور بتوانند در امنیت و آرامش زندگی کنند و نیازمند متوسل شدن به خشونت برای دفاع از حقوق خود نباشند.

www.SIMAMASIH.com

ادعای پیامبری

مسیح در مورد نشانه‌های زمان آخر فرمود:
...بسانایی کذب ظاهر شده، بسیاری را گمراه کنند. دادگاهی در پاکستان، حکم اعدام یک مرد ۴۵ ساله را به اتهام ادعای پیامبری صادر کرد. به گزارش پایگاه خبری تقریب به نقل از "الحقانی" یکی از ائمه جماعات پاکستان به مقامات این کشور گزارش داد که متهم یعنی عبدالحمید در منزلش، اتاقی شبیه کعبه درست کرده و ادعای پیامبری میکند. بنابر گزارش شاهدان، عبدالحمید در این اتاق سنگی بنام حجر الاسود قرار داده است و مسلمانان آن منطقه را به زیارت آن دعوت می‌کند وی ادعا دارد این سنگ همان حجر الاسود واقعی است.

نزول روح پاک خدا بر پیروان عیسی



چهل روز پس از زنده شدن عیسی مسیح روز صعود او به آسمان فرا رسید. در این روز او به همراه شاگردانش بر فراز تپه‌ای در نزدیکی اورشلیم رفت و در آنجا آخرین سخنان خود را به ایشان بیان فرمود. در این لحظه بود که باز وعده خود را مورد تأکید قرار داد و به ایشان گفت: /نیک من موعود

پدر خود را بر شما می‌فرستم پس شما در شهر اورشلیم بمانید تا وقتی که به قوت از اعلی آراسته شوید. (انجیل لوقا ۲۴: ۴۹) شاگردان نیز بنا به دستور مسیح به اورشلیم بازگشتند ایشان هر روز در خانه‌ای گرد می‌آمدند و اوقات خود را در عبادت و دعا می‌گذراندند و منتظر وعده عیسی بودند. ده روز پس از صعود مسیح به آسمان یکی از اعیاد یهودیان به نام عید پنطیکاست فرا رسید.

شاگردان همچون روزهای گذشته مشغول دعا و عبادت بودند ساعت ۹ صبح بود ناگهان صدایی بلند شبیه وزش باد شدید از آسمان به گوش رسید سپس شعله و زبان‌های آتش ظاهر شد و بر هر یک از ایشان زبانه‌ای قرار گرفت در همین حال همه آنان از روح القدس پر شدند و با قدرت او به زبانهای مختلف به حمد و ستایش خدا پرداختند. زبانهایی که تا آن لحظه اطلاعی از آن نداشتند. چیزی نگذشت که بسیاری جمع شدند تا علت سر و صدا را جویا شوند. در میان این عده زائربنی نیز بودند که از سرزمینهای مختلف به اورشلیم آمده بودند. ایشان با کمال تعجب شنیدند که عده‌ای از افراد عادی به زبانهای مادری آنان خدا را پرستش میکند همه دچار شگفتی شده بودند و پی بردند که در اینجا رویدادی فوق طبیعی رخ داده است. همین واقعه به پطرس و سایر رسولان فرصت داد تا برای نخستین بار پیام نجات بخش مسیح را به گوش یهودیان برسانند یهودیانی که از نقاط مختلف جهان آن روز گارد را در اورشلیم بسر می‌بردند در همان روز نزدیک به سه هزار نفر به مسیح ایمان آوردند و غسل تعمید گرفتند. به این ترتیب با آمدن روح القدس عده بسیاری به مسیح ایمان آوردند و پیرو او شدند و کلیسای عیسی مسیح یعنی مجمع افرادی که ایمانداران مسیح می‌باشند تشکیل شد. این وقایع و رویدادهای مربوط به رسولان مسیح پس از روز پنطیکاست در کتاب اعمال رسولان نوشته شده است در این کتاب که گذشت مسیحیت در دوران اولیه میباشد به وضوح می‌بینیم که روح القدس پیشوا و هدایت کننده کلیسا یعنی جمع ایمانداران می‌باشد. این روح القدس است که تعیین می‌کند کدامیک از رسولان به کدام نقطه از جهان برود و پیام انجیل را موعظه کند اوست که هدایت می‌کند میسرین انجیل چگونه سخن بگویند. اوست که هدایت زندگی مومنین را در دست دارد. نکته مهم این است که برکات روح القدس و کار او در زندگی مسیحیان مختص به قرن اول و مسیحیان اولیه نمی‌باشد. او امروز نیز در قلب انسان کار می‌کند تا او را به شباهت مسیح در آورد و اراده نیکوی خدا را در زندگی ایشان تحقق بخشد.

دوست عزیز و ارجمندمان جناب آقای عبود نباتیان در شب پنجشنبه پنجم آوریل ۲۰۰۷ در سن ۸۴ سالگی به حضور خداوند شتافتند. آزادی ایشان از اسارت پنجاه ساله اعتیاد به الکل بوسیله ایمان به عیسی مسیح ماجرایی بسیار عجیب - تکان دهنده و درعین حال امیدوار کننده و آموزنده است برای انواع اسارت‌های دنیای امروز ما. نوشته زیر شهادت زندگی ایشان است که هفت سال بعد از پیروزی کامل بر اسارت الکل با دست خودشان نوشته‌اند.

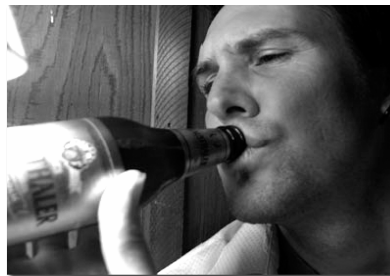
شهادت زندگی من

من حدود ۷۳ سال پیش در یکی از شهرهای جنوبی ایران (خرمشهر) در خانواده‌ای مسلمان و معتصب بدنیا آمدم به علت نزدیکی خرمشهر به بندر بصره در کشور عراق و بستگان پدری که در آنطرف مرز داشتیم دوران جوانی و تحصیل را بطور متناوب بین مدارس خرمشهر و بصره گذراندم و سپس از کالج بغداد فارغ التحصیل شدم. پس از آن پدرم تصمیم گرفت برای همیشه در خرمشهر بماند. این دوران همزمان با تحولات و دگرگونیهای سیاسی شدید در خاورمیانه بود. و من هم مثل بقیه جوانان هم سن و سال خودم تحت تاثیر مشکلات زندگی و کمبودهای مالی و اختلافات طبقاتی بخصوص در جنوب ایران قرار گرفته و دنباله‌رو گروههای سیاسی گردیدم در نتیجه مشکلات متعدد دیگری بدنبال آن بوجود آمد که از نظر روحی و فکری دید شخصی من را نسبت به زندگی کاملاً عوض کرد. در این دوران فقط با دید منفی و ناامید کننده به زندگی نگاه میکردم. و با اینکه اطلاعات و تحصیلات مذهبی تقریباً کاملی داشته و قرآن را به راحتی خوانده و به خاطر تسلط کامل به زبان عربی معانی آن را هم میدانستم. ولی این اعتقادات هیچگونه کمکی به بهبود وضع روحی و فکری من نمیکرد و من مانند گم شده ای بدنبال راه حقیقی نجات در بیراهه پیش میرفتم و چون آرامش دهنده‌ای پیدا نمی‌کردم تهاطری در یافت آرامش را در نوشیدن مشروبات الکلی یافته و کم کم به صورت یک عادت و احتیاج دائمی با آن زندگی میکردم. ولی مشکلات نه تنها از بین نرفت بلکه بیشتر و بیشتر و بزرگتر و بزرگتر میشد. در سال ۱۹۷۹ من که تازه بازنشسته شده بودم تصمیم گرفتم برای دیدن فرزندانم که در آمریکا زندگی میکردند از ایران



خارج شوم. در همین هنگام کشور ایران با موضوع انقلاب اسلامی و کشت و کشتار جنگهای داخلی بین گروههای سیاسی مخالف یکدیگر روبرو شد. پس از رسیدن به آمریکا، شنیدم که اوضاع داخلی کشور وخیمتر گشته و شاه کشور را ترک نموده و حکومت جدید جمهوری اسلامی روی کار آمده است. شش ماه بعد عراق به ایران حمله کرد و خرمشهر بعلمت نزدیکی بامر از اولین نقطه تهاجم عراقیها بود. ما که تمام خانه

و زندگیمان در خرمشهر بود و دختر بزرگم آنجا زندگی میکرد مدتی را در نگرانی و بی‌خبری بسر بردیم تا بالاخره شنیدیم که عراق خرمشهر را تصرف کرده و مردم به ناچار شهر را تخلیه کرده‌اند. دخترم تلفنی خبر داد که دست خالی و فقط با یک چمدان لباس از خرمشهر بیرون رفته‌اند. سه سال خرمشهر در تصرف عراقیها بود و بعداً که شهر پس گرفته شد هیچ اثری از خانه و کاشانه ماباکی نمانده بود. در نتیجه حاصل تمام زحمات گذشته ما و هر چه داشتیم از بین رفت. با اینکه خوشحال بودیم از این بابت که هیچ یک از عزیزان و بستگان را از دست نداده بودیم ولی بخاطر از دست دادن همشهری‌هایمان و حاصل یک عمر زحمات مان در آن شهر غم‌شدید و ناامیدی سنگینی داشتیم. و چون در ایران دیگر هیچ چیزی برای ادامه زندگی نداشتیم تصمیم گرفتیم در آمریکا بمانیم. در اینجا هم بدون درآمد کافی در حالیکه دو فرزند ما در دوران تحصیل در کالج بودند مشکلات زندگی روز به روز بر ایمان سخت‌تر میشد. در آن موقع وضع روحی من بدتر شد و متأسفانه از روی ناچاری روی به الکل بیشتر آوردم و وضعیت روحی و جسمی‌ام متزلزل شد بطوری



که از تمام متعلقین خود متفرگشته و عاشق مشروب شده و بطور کامل اسیر اعتیاد به الکل گردیدم. در نتیجه کانون گرم خانواده به جهنم سوزانی تبدیل شد. بارها بخاطر اینکه بدون ممانعت همسرم مشروب بنوشم بجای خانه در کنار استخر آپارتمانمان می‌اندام و همسرم توسط همسایه‌ها مطلع میشد و با گریه و ناراحتی مرا به خانه میکشاند. طولی نکشید که به انواع امراض کلیوی و کبدی مبتلا شدم. در همین حال ناهنجاریک شغل مناسب با درآمد خوب در یکی از کشورهای خاورمیانه بمن پیشنهاد شد. با قبول این شغل وضع اقتصادی ما خوب شد ولی مشکل و نیاز شدید من به الکل از بین نرفته و ناراحتیهای روحی و جسمی من شدیدتر گردید. در این هنگام فرزندانم تحصیلاتشان را تمام کرده و زندگی مستقل خودشان را شروع کردند و بالاخره دختر بزرگم با همسرش ایران را ترک کرده به آمریکا آمده در نزدیکی محل سکونت ماستقر شدند. پس از چند سال کار در خاورمیانه از شغل خود استعفا داده به آمریکا برگشتم. موضوع اعتیاد به الکل در من دیگر به افراط بیشتر گرایید و سلامتی من کاملاً به مرحله خطرناکی رسید و دکترها تشخیص دادند باید از جگر کم تکه برداری کنند و هشدار دادند که امکان دارد در حین عمل به خونریزی و عوارض دیگری دچار گردم. با وجود موافقت من همسر و پسر بزرگم مانع شدند و تصمیم گرفتند مرا در بیمارستان ترک اعتیاد بستری کنند. مدت یکماه و پنج

بی نتیجه ماند. دوماه بعد بطور اتفاقی با گروهی از مسیحیان آشنا شدیم. همسر و دختر بزرگم که از آزادی من از دام اعتیاد الکل ناامید شده بودند در یکی از این جلسات قلبشان را به مسیح سپردند و روزی مرا نیز به یکی از این گردهم آییها بردند و در جلسه دعا شرکت کردیم وقتی دعوت به دعا کردند همسرم جلو رفته از مسیح برای آزادی من کمک طلبید. از آن به بعد دوستان جدیدی پیدا کردیم که برایمان دعا میکردند. هر چند من زیاد به جلسات کلیسای نمیرفتم ولی همسر و دخترم دائماً در جلسات دعا شرکت میکردند. دو سال وضع به همین صورت گذشت و من هنوز هم دچار وسوسه نوشیدن الکل بودم. من و دوستان غیرمسیحی‌ام روزبستری شدیم، هزینه بسیار سنگینی را پرداخت کردیم. یکماه پس از ترک اعتیاد مجدداً شروع به نوشیدن الکل کردم و در واقع تمام معالجات دکترها بی نتیجه ماند. دو ماه بعد بطور اتفاقی با گروهی از مسیحیان آشنا شدیم. همسر و دختر بزرگم که از آزادی من از دام اعتیاد الکل ناامید شده بودند در یکی از این جلسات قلبشان را به مسیح سپردند و روزی مرا نیز به یکی از این گردهم آییها بردند و در جلسه دعا شرکت کردیم وقتی دعوت به دعا کردند همسرم جلو رفته از مسیح برای آزادی من کمک طلبید. از آن به بعد دوستان جدیدی پیدا کردیم که برایمان دعا میکردند. هر چند من زیاد به جلسات کلیسای نمیرفتم ولی همسر و دخترم دائماً در جلسات دعا شرکت میکردند. در تمام این مدت دعا برای من ادامه داشت. دو سال وضع به همین صورت گذشت و من هنوز هم دچار وسوسه نوشیدن الکل بودم. دوستان غیرمسیحی‌ام کاملاً از بهبودی من ناامید شده بودند. در این فاصله چندین بار مجبور به پرداخت جریمه سنگین رانندگی در حال مستی شدم دیگر دکترها رسماً اخطار کردند چنانچه به نوشیدن الکل ادامه بدهم در مدت بسیار کوتاهی عمرم به پایان خواهد رسید. اما خدا روی زندگی من دست گذاشته بود و من کم کم احساس کردم عیسی مسیح در حال ایجاد تغییری غیر قابل باور در درون من است خانواده‌ام هر روزه در ایمان و توکل به مسیح قویتر شده و مصرا نه دعا میکردند تا اینکه یکروز کاملاً قلبم را به مسیح سپردم و بعنوان یک مسیحی تعمیم گرفتم و ناگهان دیدم از تمام بندهای اسارت اعتیاد به الکل آزاد شدم عیسی مسیح مرا شفا داده بود و از آنروز تا بحال ۷ سال است که خود را در مسیح از هرگونه آسارتی و وسوسه‌ای آزاد مینمیشم. حالا آرامش و صلح الهی به قلب من وارد شده است و تنها همدم و تکیه گاهم کلام عیسی مسیح و مصاحبت با خداوند است. وقتی قلب خود را به مسیح سپردم خون مقدس مسیح که بر صلیب ریخته شده راه مرا به حضور خداوند باز کرد. حالا ایمان دارم اساس زندگی‌ام بر مسیح خداوند قرار گرفته و او قول داده است که همیشه همراه من باشد. زیرا کلام خدا میگوید او که کارنیکو را در شام شروع کرد تا به آخر وفادار میماند و آنرا به آخر میرساند. همان عیسی مسیح که زندگی مرا از تاریکی به نور و از ناامیدی به امید از مرگ به حیات تبدیل کرد امروز در کنار شماست و اگر شما به او ایمان بیاورید بیش از آنچه برای گناهکاری مثل من انجام داد برای زندگی شما خواهد کرد. چون وعده خداوند این است: عیسی مسیح آمد تا گمشده را بجوید و او را نجات ببخشد. انجیل لوقا فصل ۱۹ آیه ۱۰. عبود نباتیان

ستون پنده

روزی کارمند پست به

نامه هایی که آدرس آنها

نامعلوم بودند، رسیدگی می کرد. در این حین متوجه نامه ای شد که روی پاکت آن با خطی لرزان نوشته شده بود نامه ای به خدا! با خودش فکر کرد بهتر است نامه را باز کرده و بخواند. درنامه اینطور نوشته شده بود: خدای عزیزم بیه زنی ۸۳ ساله هستم که زندگی ام با حقوق ناچیز باز نشستگی می گذرد. دیروز یک نفر کیف مرا که صد دلار در آن بود دزدید. این تمام پولی بود که تا پایان ماه باید خرج می کردم. یکشنبه هفته دیگر عید است و من دو نفر از دوستانم را برای شام دعوت کرده ام. اما بدون آن پول چیزی نمیتوانم بخرم. هیچکس را هم ندارم تا از او پول قرض بگیرم. تو ای خدای مهربان تنها امید من هستی به من کمک کن... کارمند اداره پست خیلی تحت تاثیر قرار گرفت و نامه را به سایر همکارانش نشان داد. نتیجه این شد که همه آنها جیب خود را جستجو کردند و هر کدام چند دلاری روی میز گذاشتند. در پایان ۹۶ دلار جمع شد و برای پیرزن فرستادند... همه کارمندان اداره پست از اینکه توانسته بودند کار خوبی انجام دهند خوشحال بودند. عید به



پایان رسید و چند روزی از این ماجرا گذشت. تا این که نامه دیگری از آن پیرزن به اداره پست رسید که روی آن نوشته شده بود: نامه ای به خدا! همه کارمندان جمع شدند تا نامه را باز کرده و بخوانند. مضمون نامه چنین بود: خدای عزیزم، چگونه میتوانم از کاری که برایم انجام دادی تشکر کنم. با لطف تو توانستم شامی عالی برای دوستانم مهیا کرده و روز خوبی را با هم بگذرانیم. من به آنها گفتم که چه هدیه خوبی برایم فرستادی...

دستگیری دختر مدعی با ارتباط با امام مسلمین

خانواده سبز، دختر کلاهبرداری که در یکی از روستاهای توابع اهواز، ادعای ارتباط با امامان و شفای مریضان را داشت، دستگیر شد. این دختر ۲۱ ساله، چندی پیش ادعا کرد که امام مسلمین به خواب او خواب آورده و به وی اجازه داده شده تا مریضان را شفا دهد. پس از آن، دوتن از اقوام وی به تهیه و توزیع و تکرار فیلم و سی دی های تبلیغاتی در سطح وسیع اقدام کردند. بر اساس این گزارش، این جریان تا جایی گسترش یافت که در محل سکونت وی، انبوه مردم از شهرها و روستاهای دور حاضر شده و بستگان وی، نذورات مردم را جمع آوری میکردند. نامبرده پس از مدتی ادعا کرد که یک اصله نخل خرما و درخت کنار منزلش، قادر به شفای بیماران است. به محض اطلاع، دادگستری بخش حمیدیه با انجام تحقیقات گسترده، فرد مدعی و آتن از بستگان وی را دستگیر کرد.

سیگار آفت ناباروری



ناباروری مردان و

زنان را در سنین

باروری مبتلا می کند

و فراوانی آن به

درستی معلوم نیست،

به نحوی که شیوع آن

در یک ناحیه با ناحیه

دیگر متفاوت است. ۸ تا ۱۰ درصد زوجها با مشکلات ناباروری روبرو هستند و علت آن در ۴۰ درصد موارد مردانه، ۵۰ درصد زنانه و در ۱۰ درصد موارد نامشخص است. حدود ۵۰ تا ۸۰ میلیون نفر از جمعیت دنیا از ناباروری رنج میبرند. این در حالیکه براساس تازه ترین نتایج تحقیقات سیگاری علاوه بر اثرات زودرسی نظیر کاهش شادابی چهره، از بین رفتن طراوت پوست، فساد دندان عامل خطری هم برای افزایش ناباروری در مردان به شمار میرود. سیگار باعث افزایش سلولهای التهابی و حتی تاثیر در DNA و نومی می شود. بنابراین نه تنها سیگار نخستین علت سرطان مثانه و عاملی برای بروز بیماریهای قلب و عروق است بلکه مشخصاً در کاهش باروری مردان و زنان نیز موثر است. اطرافیان افراد سیگاری نیز از مضرات سیگار بی بهره نخواهند بود و آثار سوء سیگار بر باروری همسر افراد سیگاری قابل توجه است. این در حالیکه به بیش از دو سوم افراد سیگاری از عوارض سیگار بر کاهش قدرت باروری خود هیچ اطلاعی ندارند. مصرف سیگار در مردان و زنان باعث کاهش میزان موفقیت درمانهای ناباروری میشود، تاثیر سیگار وابسته به دود و طول مدت مصرف آن دارد. سقط، مرده زایی و تولد نوزادان کم وزن و افزایش بارداری خارج رحم بعنوان دیگر عوارض سیگار در تولید مثل میباشد. سیگار با تاثیر بر روی جریان و بافت اندام تناسلی باعث اختلال عملکرد جنسی در مردان میشود و به عملکرد جنسی آنان آسیب می رساند. نتایج تحقیق بر روی ۲۹۰ زوج سیگاری که بیش از ۷ سال حداقل روزی ۳۰ سیگار میکشیدند حاکی از آن بود که در زوجها سیگاری حداکثر ظرف ۳۷ ماه باروری حاصل شده است در حالی که این مدت در افراد غیر سیگاری ۳۰ ماه بوده است.

خواننده گرامی: آیا موضوعی در زندگی شما وجود

دارد که احتیاج به دعای مخصوص دارید؟ تیم

دعای ما در ماهنامه تبدیل آماده خدمت به شما

می باشند. از شما خواهشمندیم مطالب دعای خود

را به ما ارسال کنید تا ما با شما متحد شویم.

تلفن: ۱۵۲۵ - ۵۲۲ (۸۱۸)

Email: Prayer@iranforchrist.com

آدرس پستی: P. O. Box: 371043 Reseda, CA, 91337 USA

یک داستان کوتاه



کوله پشتی اش را برداشت و راه افتاد رفت که دنبال خدا بگردد؛ و گفت: تا کوله ام از خدا پرنشود بر نخواهم گشت. نهالی رنجور و کوچک کنار راه ایستاده بود. مسافر با خنده ای رو به درخت گفت: چه تلخ است کنار جاده بودن و نرفتن؛ و درخت زیر لب گفت: ولی

تلخ تر آن است که بروی و بی ره و راه برگردی. کاش میدانستی آن چه در جست و جوی آبی، همین جاست. مسافر رفت و گفت: یک درخت از راه چه میدانند، پاهایش در گل است، او هیچ گاه لذت جست و جور نخواهد یافت. و نشنید که درخت گفت: اما من جست و جور را از خود آغاز کرده ام و سفر مرا کسی نخواهد دید؛ جز آن که باید. مسافر رفت و کوله اش سنگین بود. هزار سال گذشت، هزار سال پر خم و پیچ، هزار سال بالا و پست. مسافر باز گشت! رنجور و ناامید. خدا را نیافته بود، اما غرورش را گم کرده بود. به ابتدای جاده رسید. جاده ای که روزی از آن آغاز کرده بود. درختی هزار ساله، بالا بلند و سبز کنار جاده بود. زیر سایه اش نشست تا کمی بیاساید. مسافر درخت را بیاد نیاورد. اما درخت او را میشناخت. درخت گفت: سلام مسافر، در کوله ات چه داری، مرا هم میهمان کن. مسافر گفت: بالا بلند تنومند، شرمندهم، کوله ام خالی است و هیچ چیز ندارم. درخت گفت: چه خوب، وقتی هیچ چیز نداری، همه چیز داری. اما آن روز که میرفتی، در کوله ات همه چیز داشتی، غرور کمتر نیش بود، جاده آن را از تو گرفت. حالا در کوله ات جا برای خدا هست. و قدری از حقیقت را در کوله مسافر ریخت. دستهای مسافر از اشراق پر شد و چشم هایش از حیرت درخشید و گفت: هزار سال رفتم و پیدا نکردم و تو نرفته ای، این همه بافتی! درخت گفت: زیر ات در جاده رفتی و من در خودم. و پیمودن خود، دشوار تر از پیمودن جاده هاست.



محبت مسیح نسبت به گناهکاران عجیب بود

افراد نیکوکار از بدی متفرنند و هر شخص پاک از ناپاکی بیزار می باشد.

واضح است که عیسی مسیح که پاک و از هر گونه گناه به دور بود، ذاتاً

از گناه نفرت داشت. به همین دلیل

شاید تصور کنیم که لازم بود مسیح خود را از گناهکاران دور نگاه دارد، ولی برعکس به جای اینکه خود را از گناهکاران جدا کند با آنان معاشرت کرده غذا میخورد و راجع به محبت خدا با ایشان صحبت میکرد و هنگامی که توبه میکردند با آغوش باز آنها را میپذیرفت و میفرمود: من نیامده ام تا عادلان را، بلکه تا گناهکاران را به توبه دعوت کنم. به این دلیل بود که دشمنانش او را دوست گناهکاران نامیدند. آیا عجیب نیست؟ آن شخصی که گناهکاران را پیش از همه محبت مینمود، همان است که

جشن سوکوت

الیشا شمشیان

پانزدهم ماه عبری تیشری، آغاز جشن مذهبی سوکوت می‌باشد. کلمه سوکوت جمع کلمه عبری سوکا به معنی سایه بان است. سوکا جشنی است به مناسبت خروج بنی اسرائیل از مصر، به معنای بیرون آمدن از خانه بندگی به سایبان آزادی است. البته خروج از مصر در ۱۵ ماه نisan (جشن پسخ) بوده ولی به کلیمان دستور داده شده که سوکوت در ماه تیشری اجرا گردد. برگزاری عید سوکوت به یادگار چهل سالی است که یهودیان پس از خروج از مصر بطور مداوم در حرکت بودند. عید سوکوت علاوه بر معنی و خصوصیت اصلی‌اش بعنوان یک عید

یهودی، دارای یک جنبه جهانی هم می‌باشد. این جشنی است که در آن یهودیان پیام مخصوصی برای افراد بشر می‌فرستند و

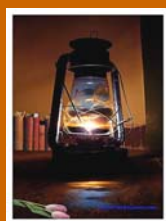
در آن هسته‌ای از اعتقاد به ماشیح موعود (منجی جهان) دارد. یکی از مظاهر این طرز تفکر قربانی کردن ۷۰ گاو نر در ۷ روز جشن بود. این گاوها را برای سلامتی ۷۰ ملل جهان قربانی می‌نمودند. این عمل، همبستگی یهودیان را با تمام ملل جهان نشان می‌دهد. سوکوت ۵ روز بعد از یوم کبیور (روز بزرگ کلیمان که ۲۵ ساعت می‌باشد) شروع می‌شود که هفت روز ادامه دارد. برابر نظر بیشتر مفسران تورا، منظور از سایه بان (سوکا) در بیابان، ابرهای ویژه‌ای بودند که بطور معجزه آسایی مردم را در بیابان از اطراف احاطه کرده و آنها را از هر گونه گزند و آسیب طبیعی محافظت میکردند. بنابر این سکونت درسوکا، یادآوری معجزه خداوند در خارج ساختن عبرانیان از مصر و محافظت از آنها در مدت چهل سال اقامت در بیابان است. یکی دیگر از فلسفه‌های

ساختن سوکا، با توجه به وضعیت خاص سقف آن بیان می‌شود. سقف سوکا از جنس حصیر یا شاخ و برگ درختان است، به طوری که باران به آسانی داخل آن می‌شود. کسی که در سوکا ساکن است، از یکسو به وضعیت افرادی که سرپناه مناسبی برای خود ندارند، آگاه می‌شود و احساس همدردی بیشتری با مستمندان می‌کند و از سوی دیگر، به فرمان خداوند، خانه مستحکم و راحت خود را ترک کرده، در محلی که به ظاهر سقف محکمی ندارد، ساکن شده است. وی در این حالت، توکل و ایمان خود را به خداوند تقویت کرده، اعلام می‌کند که به فرمان خالقش حاضر است حتی مکان راحت خود را ترک کرده و به محل مورد نظر او - گرچه دارای امکانات کمتری است - برود و امید خواهد داشت که خداوند او را در هر وضعیتی - مانند اجدادش در بیابان سینا - حفظ می‌کند. نام دیگر سوکوت حگک‌ها آسیف به معنی جشن جمع آوری محصول است. سوکوت در ایام جمع آوری محصول برگزار می‌شود. جشن شاووعوت (اعطاء تورات) اولین برداشت حاصل است، حاصلی که در بهار کاشته شده است. سوکوت هم جشن جمع آوری محصول در پاییز است. در این عید پدران ما به خانه خدا در اورشلیم می‌رفتند تا از خداوند از حاصل زمینی که به آنها داده، شکرگزاری نمایند. چون این جشن، جنبه کشاورزی دارد، چهار نوع از محصولات زمین که عبارتند از ترنج، شاخه درخت خرما، شاخه درخت مورد و شاخه درخت بیدرادر دست گرفته و دعای مخصوصی می‌خوانند. علمای یهود بکار بردن این چهار نوع محصول را در نماز جشن سوکوت به دو صورت توجیه می‌کنند. توجیه اول بر این مبنا است که ترنج به شکل قلب است، شاخه درخت خرما شبیه ستون فقرات انسان، برگ مورد به شکل چشم و برگ بیدبه شکل لب می‌باشد. با دعایی که خوانده میشود، خدا خواسته می‌شود که همواره بتوان با عقل سلیم و ایمان کامل، آن اعضا را تحت اختیار خود بگیرند. در توجیه دوم، مردم دنیا به



چراغدان

کلام خداوند به ما میگوید که در زمان آخری بریم و امروز کار اصلی روح خدا در کلیسای مسیح این است که عروس عیسی مسیح را برای ملاقات با داماد آسمانی آماده کند و برای هر کدام از ما وظیفه ای تعیین میکند تا به آنچه روح میگوید ما را هدایت میکند توجه کنیم زیرا تنها کسانی که اجازه می‌دهند روح القدس آنها را آماده کند قادر خواهند بود مسیح را در ابرها ملاقات کنند.



کلام خدا به ما میگوید که ملکوت خدا در زمان آخر مثل ده باکره خواهد بود؛ در آن زمان ملکوت آسمان مثل

ده باکره خواهد بود که مشعلهای خود را برداشته، به استقبال داماد رفتند. و از ایشان پنج دانا و پنج نادان بودند اما نادانان مشعلهای خود را برداشته، هیچ روغن با خود نبردند. لیکن دانایان، روغن در ظرف خود با مشعلهای خویش برداشتند و چون آمدن داماد به طول انجامید، همه پتکی زده خفتند. و در نصف شب صدایی بلند شد که اینک داماد می‌آید به استقبال وی بشتابید. پس تمامی آن باکره‌ها برخاسته مشعلهای خود را اصلاح نمودند. و نادانان دانا یان را گفتند از روغن خود بپادید زیرا مشعلهای ما خاموش می‌شود اما دانا یان در جواب گفتند: نمیشود، میادامدا و شما را کفاف ندهد. بلکه ترد فرو شدند گان رفته، برای خود بخريد درحیثی که ایشان به جهت خرید می رفتند، داماد برسد و آنانی که حاضر بودند با وی به عروسی داخل شده، در بسته گردیدند. بعد از آن، باکره‌های دیگر نیز آماده گشتند: خداوند برای ما باز کن. او در جواب گفت: هر آینه شما را نمی‌شناسم. پس بیدار باشید زیرا که آن روز وساعت را نمی‌دانید. (متی ۲۵: ۱۱-۱۳) بله، باکره‌های نادان کسانی بودند که نخواستند در تمام قسمتها خود را با روح خدا هماهنگ سازند. لذا در پشت درها ماندند، امروز روح القدس از طریق کلام خدا عروس را آماده میکند و کسانی که اجازه دهند روح القدس آنها را آماده کند همان کسانی هستند که مکاشفه ۲۲ به ما معرفی میکند: روح و عروس میگویند: بیا و هر که میشود بگوید: بیا و هر که تشنه باشد، بیاید و هر که خواهش دارد، از آب حیات بی قیمت بگیرد. (آیه ۱۷) باشد که اجازه دهیم تا خداوند از طریق روح القدس ما را به قامت پری مسیح برساند. آمین

چهار گروه دسته بندی میشوند. گروه اول کسانی هستند که ایمان کامل و رفتار سالم دارند. ترنج طعم خوب و بوی مطبوعی دارد. پس شبیه گروه اول انسانهاست. گروه دوم شامل کسانی است که تحصیلات و اطلاعات کامل دارند، ولی مراسم مذهبی را به جا نمی‌آورند. شاخه درخت خرما میوه خوبی دارد ولی معطر نیست. پس شبیه گروه دوم است. گروه سوم کسانی هستند که اطلاعات و معلومات مذهبی کاملی ندارند ولی اعمال و رفتارشان خوب و شایسته است. شاخه مورد میوه ندارد ولی بوی آن مطبوع است. پس نماینده گروه سوم انسانها می‌باشد. کسانی که معلومات مذهبی ندارند و رفتارشان هم خوب نیست در گروه چهارم قرار میگیرند. شاخه درخت بید میوه ندارد و بوی مطبوعی هم از آن استشمام نمیشود، بنابراین نماینده گروه چهارم انسانهاست. پس این چهار نوع محصول زمین، چهار گروه از مردم را که در هر جامعه‌ای وجود دارند نمایش میدهد. انسانهایی که در جامعه زندگی می‌کنند در برابر همدیگر مسؤول هستند زیرا اعمال و رفتارشان و ایمانشان در سرنوشت افراد دیگر جامعه مؤثر است. هر کدام از این افراد معلومات و رفتارهای مختلفی دارند و روی هم جامعه را تشکیل می‌دهند. با جمع آوردن این چند نوع گیاه در یک بسته، صفات نیکو یعنی اتحاد و همبستگی و همکاری در میان گروه‌های مختلف جامعه، حتی آتیهایی که علم یا عمل مناسب مذهبی نیز ندارند، نمایش داده می‌شود. روز بعد از آخرین روز سوکوت، سیمحت تورا یعنی شادی تورات می‌باشد. جشن سیمحا تورا به مناسبت به انجام رسیدن قرائت پنج جلد تورات در عرض یکسال برگزار میشود. در همان روز اولین فصل از جلد تورات قرائت می‌شود.

به نام عیسی، امتهامید خواهند داشت. انجیل متی ۱۲: ۲۱

اگر از افسردگی رنج می‌برید، اگر در زندگی زناشویی خود با اختلافات روبرو هستید و یا اگر با بیماری اعتیاد و مشکلاتی نظیر آن روبرو هستید، با ایمان آوردن به عیسی مسیح قادر خواهید شد تا بر همه این مشکلات غالب آید.

به این منظور شما میتوانید با من رسول حیدری و با شماره تلفن ۰۲۱-۸۶۰۲ — ۲۰۱ (۸۱۸) تماس گرفته، اجازه دهید در این راستا شما را یاری دهیم. برکت خدا با شما باد.

ماهنامه تبدیل را هر ماه از مراکز ایرانی، بطور رایگان دریافت کنید.

چرا مادر گریه می کند؟



پسرکی از مادرش پرسید: مادر چرا گریه میکنی؟ مادر فرزندش را در آغوش گرفت و گفت: چون من زن هستم عزیزم. پسرک نزد پدرش رفت و گفت: بابا چرا ماما همیشه گریه می کند؟ او چه میخواهد؟ پدرش تنها دلیلی که به ذهنش رسید این بود: همه زنها گریه میکنند، بی هیچ

دلیلی! پسرک بزرگ شد ولی هنوز از اینکه زنها خیلی به گریه می افتند متعجب بود. یکبار در خواب دید که دارد با خدا صحبت میکند از خدا پرسید: خدایا، چرا زنها این همه گریه می کنند؟ خدا جواب داد: من زن را به شکل ویژه ای آفریده ام؛ به شانه های او قدرتی داده ام تا بتواند سنگینی زمین را تحمل نماید، به بدنش قدرتی داده ام تا بتواند درد زایمان را تحمل کند. به دستهای او قدرتی داده ام که حتی اگر تمام کسانش دست از کار بکشند، او به کار ادامه دهد. به او احساسی داده ام تا با تمام وجود به فرزندانش عشق بورزد، حتی اگر او را هزاران بار اذیت کنند. به او قلبی داده ام تا همسرش را دوست بدارد و از خطاهای او بگذرد و همواره در کنار او باشد. و به او اشکی داده ام تا هر وقت خواست آن را فرو ریزد، این اشک را منحصرأ برای او خلق کرده ام تا هرگاه نیاز داشته باشد، بتواند از آن استفاده کند.



**خداوند، من
اعتراف می کنم
که گناهکار هستم.
ایمان دارم که
عیسی مسیح بخاطر
گناهان من بر روی
صلیب، جان خود
را فدا فرمود و به
وسیله رستخیز خود
و غلبه بر مرگ، مرا
در حضور تو عادل
ساخت. من اکنون
او را بعنوان
نجات دهنده، در
قلب خود
می پذیرم. آمین**

فیض روح القدس از باز مدد فرماید
دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می کرد
بیدلی در همه احوال خدا با او بود
او نمی دیدش و از دور خدایا می کرد
حافظ

پیش مرده اند، آزاد شدند. در اثر همین تحقیقات، مشخص شد که در قلعه آنتونیا که مقر فرماندار و پادگان روم و نیز محل زندان شهر بود، سیاهچالهایی وجود داشته که خود زندانیان نیز از آنها



بن هور گفت: خوب، من پسر آریوس هستم! تورد نزدیکتر آمد؛ چشمانش داشت از حدقه در می آمد؛ بعد در حالیکه از شادی به هیجان آمده بود، گفت: ببین! من به

بی خبر بودند. این سیاهچالها مخصوص چریکهای یهودی و شورشیان سیاسی بود که علیه روم دست به اقدام می زدند. کسانی که به آنجا برده میشدند، هرگز بیرون نمی آمدند، نه زنده و نه مرده! در یکی از آن روزها که مأمورین مشغول بازرسی زندانها و رسیدگی به وضع زندانیان بودند، هنگام عصر، وقتی که فرمانده گارد از کار سنگین آن روز خسته نشسته بود و منتظر پایان وقتی اداری بود، دید که رئیس زندان با یک دسته کلید، که هر کدام مثل یک چکش بود، در درگاه اتاق او ظاهر شد. ظاهراًش بلافاصله توجه فرمانده را جلب کرد و به اجازه ورود داد. مأمورینی که در اتاق حاضر بودند، از چهره رئیس زندان متوجه شدند که خبر خاص و حساسی دارد. او جلو آمد و گفت: قربان، از زمانی که فرماندار قبلی، گراتوس، مرا مسؤل امور زندان کرد، هشت سال میگذرد. روز قبل از اینکه به این کار گمارد شوم، شورشی در شهر اتفاق افتاده بود و عده زیادی دستگیر شده بودند. در همان روزها هم به جان گراتوس سوء قصد شده بود و یک نفر، سفالی را از پشت بام بر سر او انداخته بود. وقتی او وظیفه مرا به من می سپرد، این کلیدها را به من داد که به تعداد سلولهای زندان بود. وقتی داشتم از اتاقش بیرون می رفتم، مرا صدا زد و گفت: صبر کن. چیزی را فراموش کرده ام. بعد نقشه ای را رد آورد و روی میز گذاشت. بعد انگشتش را روی سلول شماره پنج گذاشت و گفت: در این سلول سه مرد زندانی هستند. آنها بسیار خطرناکند چون به اسرار نظامی روم دسترسی پیدا کرده اند. برای همین آنها را کور کرده ایم و زبانشان را هم بریده ایم. آنها باید تا آخر عمرشان آنجا بمانند. به آنها فقط غذا و آب میدهم، آن هم از یک سوراخی که زیر دیوار سلول تعبیه کرده ایم. بعد نگاهی تهدیدآمیز به من کرد و در حالیکه انگشتش را روی نقشه سلول پنج فشار میداد، گفت: یادت باشد، در سلول پنج هیچ وقت باز نخواهد شد. حتی وقتی که زندانها مردند، آن سلول قبرشان خواهد بود. آن سلول آلوده به جذان است. این را گفت و مرا مرخص کرد. در این لحظه رئیس زندان سه نقشه از جیب خود بیرون آورد. نقشه اول را روی میز، جلو فرمانده گارد پهن کرد. همه جمع شدند تا نگاه کنند.

گفتند که اینجا با یک سنگ یهودی روبرو خواهم شد که کشتنش خدایان را راضی خواهد کرد! گفت: چه کسی این را به تو گفت؟ جواب داد: دیشب، مسلاً، در حالیکه از درد بخود می پیچید. قرار شد هزارسکه هم برای این کار به من بدهد. بن هور گفت: تو به پول خودت خواهی رسید. پیشنهادی دارم. من و این مرد خیلی به هم شبیه هستیم. من لباس خودم را به او خواهم پوشاندم. تو به مسلاً خواهی گفت که مرا کشته ای. تو پولت را خواهی گرفت. من هم سه هزار سکه به تو خواهم داد. تورد بلافاصله جواب داد: بکن چهار هزار سکه. یعنی من روی هم پنج هزار سکه خواهم گرفت بدون اینکه خون کسی را ریخته باشم. عالی است و با آن یک میکده در روم باز خواهم کرد. و قهقهه زنان می خندید. آنها با هم دست دادند و قرار گذاشتند که تورد به مسلاً خبر بدهد که بن هور را کشته است. وقتی لباسها را عوض کردند، خود بن هور هم از تشابه اش با حریف مرده خود تعجب کرد. آن شب، بن هور نزد سیمونیس رفت و تمام ماجرا را به او گفت. آنها قرار گذاشتند که یکی دو روز بعد، کسی را بفرستند تا رسماً از نیروهای انتظامی درخواست کند تا به دنبال پسر گمشده آریوس بگردند و حتی مساله را به گوش ماگزنیتیوس فرمانده هم برسانند. به این ترتیب، مسلاً و گراتوس هر دو خاطرشان آسوده خواهد شد که بن هور مرده است، و او خواهد توانست بدون دغدغه خاطر به اورشلیم برود و بدنبال مادر و خواهرش بگردد. به این ترتیب، بن هور سیمونیس را وداع گفت و طبق قراری که با شیخ ایلدریم داشت، رهسپار صحرا شد.

ما اکنون سی روز از این واقعه به جلو می رویم. در این فاصله، اتفاق مهمی در صحنه سیاست منطقه رخ داد، مهم البته برای قهرمانان داستان ما. والریوس گراتوس از فرمانداری یهودیه برکنار شد و پنتیوس پیلاتوس به جای او گمارده شد. پیلاتوس طبق عادت هر فرماندار جدید، قصد داشت با چند اقدام خیر خواهانه، نظر مثبت اهالی یهودیه را جلب کند. یکی از این اقدامات، رسیدگی به وضع زندانها و زندانیان بود. نتیجه این اقدام، تکان دهنده بود. کشف شد که صدها نفر بدون هیچ اتهام مشخصی سالها در زندان بسر برده اند. اینها و عده دیگری که تصور میشد سالها

روح فدا ما را ملازم میکند

پس از صعود عیسی مسیح به آسمان او یعنی مقاومت و مخالفت با او مانع کار روح القدس طبق فرمایش او افرادی را او در قلب انسان می گردد. روح القدس با که پیام نجات بخش انجیل را می شنیدند قلب انسان سخن می گوید و او را در این متوجه گناهانشان میساخت و ایشان را به توبه و بازگشت بسوی خدا متقاعد اما اگر شخص مدتها با این دعوت روح میساخت. امروزه نیز این روح القدس است که قلب ما را ملازم و متقاعد میسازد که زندگی خود را به خدا تسلیم کنیم. خواهد رسید که روح القدس کار خود را متوقف می سازد و از آن شخص دور می شود در چنین حالتی شخص دیگر قادر به توبه نخواهد بود و حتی اگر مایل به بازگشت بسوی خدا شود توبه او پذیرفته نخواهد شد.



توبه و ایمان به مسیح بدون کار الهی روح القدس امکان پذیر نیست. هربار که قلب ما در طلب حضور شیرین و آرام بخش میتوانیم یقین داشته باشیم که روح القدس دارد در ما کار میکند

اوست که چشم دل ما را برای دیدن مسیح در شب آخر به شاگردان خود فرمود: حقایق روحانی باز میکند. به همین علت که روح القدس تسلی دهنده یا پشتیبان ایشان است که مسیح فرمود: هر کفری که خواهد بود و در وجود آنان ساکن خواهد انسان گفته باشد. بخشوده میشود اما کفر شد. در واقع یک مسیحی از حضور یک به روح القدس هرگز آمرزیده نخواهد پشتیبان و کمک الهی در وجود خود شد. از آنجا که روح القدس عامل توبه برخوردار خواهد شد. روح القدس دائماً و بازگشت انسان به سوی خداست و در دل زندگی مومن حضور خواهد داشت مشوق و هادی او در این امر است کفر به تا او را در نبرد روحانی یاری دهد.

ماهنامه تبدیل با پخش در بسیاری از مناطق فارسی زبان در آمریکا

با درخواست اشتراک و آگهی کار و خدمات خود،
ما را در حفظ ماهنامه تبدیل یاری نمایید.

The Change Monthly Paper is Distributed to most of the Persian speaking community, and your monthly payment will help The Change paper to be more effective for the Persian speaking

Yes! I want to subscribe THE CHANGE \$24 for one year

Name _____

Address _____

City _____ State _____

Zip _____

Phone () _____

Please clip and return with payment to:

Iran for Christ ministries

P. O. Box 371043 Reseda, CA 91337 USA

Tabdil@iranforchrist.com

TEL: 818. 522. 1525

<http://www.iranforchrist.com/Tabdil.htm>



من منتظر توبه ام!
امروز صبح وقتی که از خواب برخاستی، تو را تماشا کردم و امید داشتم که با من حرف خواهی زد، فقط در چند کلمه و یا از من بخاطر چیزهای خوبی که دیروز در زندگی تو اتفاق افتاد تشکر خواهی کرد، اما تو سرگرم پوشیدن لباس بودی. هنگامی که میخواستی از خانه بیرون بروی، میدانستم که میتوانی چند دقیقه توقف کرده و به من سلام کنی، اما تو خیلی سرگرم بودی. زمانیکه پانزده دقیقه بیهوده بروی صندلی نشسته بودی و پاهایت را تکان میدادی، فکر میکردم که میخواهی بامن سخن بگویی، اما تو بسوی تلفن دودی و با یکی از دوستان تماس گرفتی تا از چیزهای بی اهمیت بگویی. من با صبر و شکیبایی، در تمام مدت روز تو را نگاه میکردم و تو را نگاه میکردم و تو آنقدر مشغول بودی که هیچ چیز بمن نگفتی. موقع ناهار خوردن متوجه شدی که چند نفر از دوستان قبل از غذا کمی بامن حرف میزنند، اما تو چنین کاری نکردی. باز هم زمان باقی است و امیدوارم که تو سر انجام با من حرف بزنی، به خانه رفتی و به نظر میرسید که کارهای زیادی برای انجام دادن داری. بعد از انجام چند کار، تلویزیون را روشن کرده و وقت زیادی را در برابر آن سپری کردی. من باز هم با شکیبایی منتظر ماندم که بعد از تماشای تلویزیون و خوردن غذا با من حرف بزنی. هنگام خواب گمان کردم که خیلی خسته ای، بعد از گفتن شب بخیر به خانواده، سریعاً بسوی رختخواب رفتی و خوابیدی. مهم نیست، شاید نمیدانستی که من همیشه آنجا با تو هستم. من، بیش از آن که توبه دانی، صبر پیشه کردم. حتی میخواستم به تو پیام بدهم که، چگونه با دیگران صبور و شکیبا باشی. من، به تو عشق میورزم و هر روز منتظرم تا با من حرف بزنی. چقدر مکالمه یکطرفه و یک جانبه سخت است! بسیار خوب، تو یک بار دیگر از خواب برخاستی و من نیز یکبار دیگر فقط برای عشق به تو منتظر خواهم ماند. به این امید که امروز مقداری از وقت را به من اختصاص دهی، روز خوبی داشته باشی. دوست تو، خدا



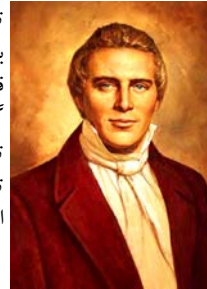
نگاهی به سنتهای مسیحیت در روز عید پنجاهه

خبرگزاری مهر - گروه دین و اندیشه: مسیحیان روز ۲۷ می، را که پنجاه روز پس از عید پاک (رستاخیز مسیح) و ده روز پس از معراج به آسمان محسوب می شود بعنوان عید پنطیکاست جشن می گیرند.

به گزارش خبرنگار مهر، مسیحیان هفت هفته پس از عید پاک در اواسط یا اواخر بهار در نیم کره شمالی زمین و اواخر یا اواسط پاییز در نیم کره جنوبی زمین را بعنوان عید پنطیکاست جشن میگیرند. پنطیکاست واژه ای یونانی به معنای پنجاهه است و در زبان انگلیسی - به ویژه در بریتانیا - بعنوان ویستمان (ویستاندی) و در زبان انگلیسی قدیمی به یکشنبه سفید اشاره به ردهای سفید افرادی که پنجاه روز پیش یعنی در روز عید پاک غسل تعمید داده شده اند - شهرت دارد. در حالی که برخی از منابع اعلام کرده اند که واژه ویت به حکمت اشاره می کند که یکی از موهبت های نزول روح القدس در عید پنجاهه است. خاستگاه عید پنطیکاست را به جشن شاد و دعوت که پنجاه روز پس از عید پسخ و به مناسب نزول ده فرمان میان قوم یهود برگزار می شود مربوط میدانند. اگرچه این جشن یهود در ابتدا با فصل برداشت اولین محصول همراه بود، در مسیحیت چنین ارتباطی از میان رفته و علت برگزاری آن به نزول روح القدس نسبت داده می شود. این در شرایطی است که هر دو رویداد از لحاظ معنوی مرتبط هستند. مراسم عبادی چنین روزی بسیار رسمی برگزار میشود. اکثر مسیحیان این روز را بعنوان تولد کلیسا تلقی می کنند (لحظه ای که بنیادهای کلیسا کامل می شود). در فرانسه این سنت مرسوم بوده است که در هنگام برگزاری مراسم عید پنجاهه در شیورها بدمند تا صدای باد قدرتمندی که زمان نزول روح القدس وزید را تداعی کند. در کلیساهای شرقی، در شامگاه روز عید پنجاهه مراسم رکوع و سجده به همراه نیایشهای منظوم و قرائت کتاب مزامیر برگزار می شود.

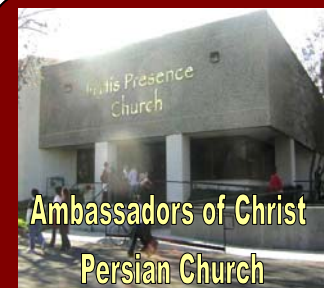
مورمونها فرقه ای انحرافی

مورمونها یک فرقه کاذب مذهبی هستند که خود را راستین عیسی مسیح می دانند. ایشان جماعت خود پیروان را بنام کلیسای عیسی مسیح وابسته به مقدسین روزهای آخر می خوانند. این فرقه با داشتن مکاشفات جدید و اضافه کردن کتب دیگر در کنار کتابمقدس خود را از مسیحیت اصیل جدا نمودند. توانایی مالی بالای آنها باعث نفوذ و تأثیر زیاد این فرقه در میان ملیتهای مختلف در کشورهای مختلف دنیا می باشد.



ژوزف اسمیت بنیانگذار فرقه مورمون ها می باشد. در سال ۱۸۲۰ زمانی که او ۱۵ ساله بود به گفته خود رویایی از جانب خدا دریافت نمود که در آن به او گفته شد که همه کلیساهای در اشتباهند و او نباید به هیچ کدام پیوندد. ژوزف مجدداً در ۱۸ سالگی رویایی دیگر

دریافت نمود که در آن از جانب فرشته ای بنام مورونی به او ماموریتی عظیم داده شد تا بدنیاال الواح طلایی و لوحه های قدیمی بگردد. سرانجام در سال ۱۸۳۰ پس از بدست آوردن این الواح و ترجمه آنها این کتب بعنوان کتب مورمونها انتشار یافت. اگر چه ژوزف اسمیت از شرایط تحصیلی خوبی برخوردار نبود اما با پیدا کردن عینک مخصوص در کنار الواح طلایی و گذراندن سه سال در خلوت و در پس پرده موفق به ترجمه متون شد و در انتها الواح طلایی را به فرشته باز پس داد. اسمیت بعنوان بانی این فرقه در سال ۱۸۴۳ تعدد زوجات را متداول کرد و این عمل او باعث عدم محبوبیت مورمونها از جانب روزنامه نگاران و سازمانهای دیگر گردید.



English Service, Sundays: 1pm,
Farsi Service, Sunday: 3pm

21300 Califa St,
Woodland Hills
CA, 91367

TEL: 818.522.1525

اسمیت و برادرش هیرام پس از سه روز بازداشت از طرف حکومت ایالتی ایلینویر در سال ۱۸۴۴ به توسط افرادی مسلح که به زندان نفوذ کردند کشته شدند. بدین شکل اسمیت بعنوان اولین پیامبر و شهید این فرقه نام گرفت. گفته شده که اسمیت در هنگام مرگ دارای ۴۸ همسر بود.

مورمونها علاوه بر کتابمقدس سه کتاب دیگر را در کلیسای خود به رسمیت می شناسند. این کتب عبارتند از: کتاب مورمونها، اصول و پیمانها، کتاب مروارید گرانها. همچنین باید مذکور داشت که کلیسای مورمون، سخنان پیامبران زنده خویش را در حد کتب مقدسه میدانند. مهاجرت افرادی است بنام جاردیتها که پس از واقعه تاریخی سقوط برج بابل به سوی امریکا رهسپار شدند و بخاطر بت پرستی و ارتداد از بین رفتند. مهاجرت بعدی قبل از میلاد بوقوع پیوست که در آن ۶۰۰ در سال گروهی از یهودیان به فرمان خداوند و قبل از سقوط توسط بابلیها، اورشلیم را ترک کردند. این گروه که توسط شخصی بنام لخی و پسرش نافی رهبری میشدند، از اقیانوس اطلس عبور نموده، به جنوب امریکا رسیدند.



در آنجا آنان به دو گروه رقیب تقسیم شدند که عده ای طرفدار نافی و عده ای دیگر طرفدار برادرش لامان گشتند. خدا لامان را بخاطر ناطاعتی لعنت کرد و به این خاطر، رنگ پوست او و خانواده اش تیره گشت. سرخ پوستان امریکا از نژاد لامانها هستند. نافی که مطیع و وفادار به احکام خداوند بود، افتخار این را پیدا کرد که عیسی مسیح قیام کرده را ملاقات نماید. در این ملاقات، انجیل واقعی و راستین توسط عیسی مسیح به آنان موعظه شد. در ادامه اختلافات بین لامان و نافی لامانها دست به نابودی زدند، ولی یکی از آنان بنام مورمون زنده ماند و قبل از مرگ تمام این وقایع را بر روی الواحی ثبت نمود. این لوحه ها بوسیله "مورونی" پسر مورمون زیر خاک مدفون گشت. ۱۴۰ سال بعد مورونی بصورت فرشته ای بر ژوزف اسمیت (بنیانگذار این فرقه) ظاهر شد و محل الواح را به او نشان داد.

سینه مالامال در دست ای دریا مرهمی
دل ز تنهایی بجان آمد خدا را همدمی
اهل کام و ناز را در کوی رندی راه نیست
رهروی باید جهان سوزی نه خامی بی غمی

آیا می دانستید که وزن اسکلت انسان بالغ
سیزده تا پانزده کیلو گرم است.

افسردگی



بخش اول

علائم افسردگی؛ کاهش یا افزایش وزن و وزنگیری یا کاهش وزن بدون توجیه می تواند نشانه هنده افسردگی باشد. ممکن است بیقرار، پرخاشگر، تحریک پذیر و زود رنج به نظر برسید. یا ممکن است اینطور به نظر برسد که کارهایتان را با سرعت آهسته انجام می دهید و به سوالات به آهستگی و با صدای یکنواخت پاسخ می دهید. ممکن است احساس کسالت و فقدان انرژی را تقریباً هر روز داشته باشید. ممکن است صبح هنگام به اندازه زمانی که در شب قبل به رختخواب می رفتید احساس خستگی کنید. ممکن است احساس بی ارزشی کنید و احساس گناه شدید داشته باشید. ممکن است دیدگاه منفی نسبت به خود، موقعیت خود و آینده خود داشته باشید. ممکن است افکار مرگ، مردن و خودکشی داشته باشید. افسردگی می تواند شکایات جسمی گسترده ای را نیز مانند خارش عمومی، تاری دید، افزایش تعریق، دهن خشک، مشکلات گوارشی (سوء هاضمه، یبوست و اسهال) سردرد و کمر درد ایجاد نماید. کودکان، نوجوانان و بالغین ممکن است به طور متفاوتی به افسردگی واکنش دهند. در این گروهها ممکن است نشانه ها اشکال مختلف داشته باشند یا با دیگر وضعیتها پوشانده شود.

انواع اصلی افسردگی شامل موارد زیر است: این نوع از اختلال خلقی بیش از دو هفته پایدار میماند. نشانه ها می تواند، شامل: احساس عظیم غم و سوگ، ازدست دادن علاقه و خوشحالی در فعالیتهایی که معمولاً برایتان لذتبخش است و احساس گناه و بی ارزشی باشد. این نوع افسردگی می تواند باعث کم خوابی، تغییر اشتها، خستگی شدید و مشکل شدن تمرکز شود. افسردگی شدید می تواند خطر خودکشی را افزایش دهد. نوع خفیف تر اما مداوم تر افسردگی است. این نوع حداقل دو سال و اغلب بیش از ۵ سال دوام می آورد. علائم و نشانه ها معمولاً ناتوان کننده نیستند و دوره های دیس تایمی می تواند بدو دوره های کوتاه مدت احساس طبیعی بودن جا به جا شود. ابتدا به دیس تایمی شما را در خطر بیشتر برای افسردگی اساسی قرار می دهد. اگر فردی که محبوب شماست فوت کند، شغلان را از دست بدهید یا تشخیص سرطان برای شما گذاشته شود بسیار طبیعی است که احساس فشار، غم، عصبانیت یا لبریز شدن کنید. در نهایت بسیاری افراد با پایان استرسهای زندگی به حالت اولیه باز می گردند.

ادامه دارد...

تو را ترک نمیکنم...

مشکل اصلی کجاست؟

نویسنده: کشیش محمد جلیل سپهر

هرگاه مردنم با تو لازم شود هرگز ترا

انکار نمیکنم . انجیل متی ۲۶:۳۵

بر سر این گونه ایمانداران کلاه شرعی زیبایی وجود دارد بنام کلاه تشخیص مصلحت در شناخت زمانها و شرایط. و اینها دائماً کلاه خود را قاضی میکنند و با کلاه خودشان به نتیجه میرسند که چه زمان وقت اعتراف است و چه زمان وقت حکیمان و مصلحت اندیشانه انکار کردن. آنها میگویند: برای هر چیز زمانی است و هر مطلبی را زیر آسمان وقتی است. وقتی است برای سکوت-وقتی است برای گفتن! جامعه ۱۳:۳ به مشکل اینگونه مسیحی بودن در نوع رفتار پطرس دقت کنید: چرا پطرس در خانه قیافا انکار میکند؟ چرا پطرس در برابر فریسیان و کاهنان به اسم مسیح شهادت میدهد؟ چرا پطرس در برابر اهل شریعت سکوت میکند؟ غلاطیان ۱۲:۲ چرا پطرس در برابر غلام رئیس کهنه شمشیر میکند؟ چرا پطرس در هنگام دعادر

جنسیمانی
به خواب
میرود؟ چرا
پطرس در
برابر قبر
خالی مسیح
به خانه رفته
سکوت
میکند؟ چرا
پطرس در
روز قیام به
ماهگیری
شخصی



میرود؟ چرا پطرس در برابر موضوع مرگ مسیح مخالفت میکند؟ و هزاران چرای دیگر در مورد پطرسها یک جواب اصلی دارد و آن اینکه: خود آنها هستند که بوسیله مشورت با جسم و نفس و منافع و مصلحت اندیشی زمان خاص ایستادن و اعتراف کردن را تعیین میکنند. شعار و اساس ایمان آنها اینست که میگویند هرگاه مردنم با تو لازم شود درحالی که پطرس قبلاً شنیده بود که مسیح تعلیم داد: اگر دانه گندم که بر زمین افتاد نمیرد تنها مانند لیکن اگر بمیرد ثمر بسیار میآورد. یوحنا ۱۲:۲۴ هر کس خود را انکار نکند نمیتواند پیرو من باشد اگر چیزهای کهنه نمیرد چیزهای تازه وجود ندارد همه کسانی که از مسیح هستند جسم و شہواتش را مصلوب کرده اند من در مسیح مردم و با مسیح زیست میکنم. بنابراین موضوع مسیحی شدن ابتدا از مردن شروع میشود. در واقع اگر ما نمیریم و با مرگ مسیح دفن نشده باشیم اصلاً مسیحی نیستیم. پس اگر ما با مسیح مرده و با قیام او برخاسته ایم دیگر حق انتخاب نداریم که تشخیص

ادامه در صفحه ۱۱...

لطفاً به این ادعای یک ایماندار مسیحی خوب توجه کنید تشویقتان میکنم این آیه را چند بار پشت سرهم بدون وقفه بخوانید و روی آن متمرکز شده و به آن فکر کنید. این ادعای یک بی ایمان یا یک ایماندار بی تجربه نیست. این سخن دل یک ایماندار است به اسم پطرس که: سه سال و نیم با مسیح راه رفته- مشارکت داشته- در همه موعظه ها و درسهای او شرکت کرده شاهد زنده شدن مردگان خرامیدن لنگان باز شدن گوش کران و گشوده شدن زبان گنگان و شفای بسیاری از انواع مختلف بیماریها بوده و شخصاً آرام شدن طوفانهای دریا و بر طرف شدن تب شدی مادر زنش را تجربه کرده است. بارها سوال داشته و خداوند شخصاً به سوالات او جواب داده. معجزه برکت پنج نان و دو ماهی برای پنج هزار نفر را بچشم دیده و اساساً دعوت او به مسیحی بودن بر این پایه بوده که خود را انکار کرده همه چیز را ترک کرده و صیاد مردم باشد و فضایل مسیح را به مردم اعلام کند.

حالا میگوید هرگاه لازم شود.

هرگاه یعنی هر زمان که لازم شود و این اشاره به زمان خاصی میکند که الزاماً همه زمانها برای او آن زمان خاص نیست چنانکه چند ساعت بعد او در خانه قیافا تشخیص داد که این زمان زمان خاص اعتراف ایمان به مسیح نیست. یا در واقع هنوز لازم نشده است. چنین ایمانداری فرمان و کنترل زندگی مسیحی خود را از دست خدا در آورده و خودش آنرا جلو میبرد و دائماً میگوید: هرگاه لازم شود اعتراف میکنم. هرگاه لازم شود توبه میکنم. هرگاه لازم شود بازگشت میکنم. هرگاه لازم شود ترک میکنم. هرگاه لازم شود کتاب مقدس میخوانم. هرگاه لازم شود دعا میکنم. هرگاه لازم شود پرستش میکنم. هرگاه لازم شود معذرت خواهی میکنم. هرگاه لازم شود دشمنم را میبخشم. هرگاه لازم شود کلیسا میروم. هرگاه لازم شود هدیه میدهم. هرگاه لازم شود کمک میکنم. هرگاه لازم شود محبت میکنم. هرگاه لازم شود تبدیل میشوم. برآستی مسئولیت تشخیص و درک و شناخت این زمان لازم و این موقعیت خاص با کیست؟ مسئولیت با جسم نفسانی ما است؟ مسئولیت با روان مصلحت اندیش ما است؟ مسئولیت با انسانیت کهنه ما است؟ مسئولیت با امیال و غرایز شهوانی ما است؟ مسئولیت با منافع شخصی و خانوادگی ما است؟ مسئولیت با خصوصیات اخلاقی ما است؟ مسئولیت با قراردادهای اجتماعی ما است؟ مسئولیت با باورها و عرف و سنتهای حاکم بر جامعه ما است؟ چه کسی وجه چیزی برای ما معلوم میکند؟ هرگاه مردنم با تو لازم شود" اشاره به چه زمانیست؟

کتیبه های گنج نامه

* همدان *

گنجنامه، در یکی از دامنه های کوهستان الوند و به فاصله ۵ کیلومتری جنوب غربی همدان، در دوره مصفای عباس آباد قرار دارد. در نزدیکی گنجنامه، چشم انداز زیبایی از آبشار گنجنامه و دره های سر سبز عباس آباد، تاریک دره و کیوارستان دیده می شود. تاریک دره نیز به دو شاخه تقسیم میگردد: در شاخه شرقی آن، تاسیسات پیست اسکی تاریک دره، در خط الراس گردنه شده است و در ضلع غربی تاریک دره، در خط الراس گردنه (گدوک)، جاده ماشین رو جدید با راه کاروان رو قدیمی یکی می شود. این دره عصر هخامنشیان، شروع جاده هگمتانه- استخر، معروف به "جاده شاهی" بوده، که هگمتانه را از طریق پیچ و خمهای تاریک دره، گدوک (دره)، وردآورد علیا، شهرستان، اشتران به تویسرکان، نهاوند، کرمانشاه، لرستان، تخت جمشید و فارس مرتبط میساخته است. این راه، همچنین یکی از راههای ارتباطی همدان به غرب و جنوب کشور (وبیاردان) یا بین النهرین (عراق امروزی) بوده است. به سبب آنکه هگمتانه، پایتخت تابستانی هخامنشیان بوده و در مسیر جاده شاهی قرار داشته است، داریوش اول هخامنشی پس از اتمام کار سنگ نبشه های بیستون، دستور نقر کتیبه کنونی گنجنامه را داده است. پس از او فرزندش خشایار شاه نیز به پیروی از او کتیبه ای در سمت راست و کمی پائین تر از سنگ نبشته پدر، بر جای گذارده است. (حدود ۵۰۰ سال ق. م) هر یک از کتیبه های به سه زبان، در سه ستون و ۲۰ سطر، بر روی صخره ای بزرگ حک شده اند، که در ستون دست چپ، متن فارسی باستان، ستون وسط؛ عیلامی یا شوشی و ستون دست راست کتیبه ها، به زبان بابلی یا اکدی و هر سه به خط میخی مادی یا هخامنشی می باشند. اولین واژه ستونی که به فارسی باستانی حک شده، کلمه "baga" به معنی خدا میباشد.

۹ خط اول کتیبه بالائی به خط میخی است.

ازدواج

یک زن به امید اینکه شوهرش تغییر کند با او ازدواج میکند، ولی تغییر نمیکند. یک مرد به این امید با همسرش ازدواج میکند که تغییر نکند، ولی تغییر میکند.





کارگردان: مل گیسون.
فیلمنامه: مل گیسون، فرهاد صفی نیا.
مدیر فیلمبرداری: دین سملر.
بازیگران: رودی باتک بلاد، دالیا
هراندز، جانانان بریور، موریس
بیرد بلوهد، کارلوس امیلیو بانز، رامیرز
ایزرنیل ایزرنیل ریوس آمیلکار
کوتفهر راس، ماریا ایزابل دیاز،
اسپریدیون آکوستا کاجه.
۱۳۹ دقیقه. محصول ۲۰۰۶ آمریکا.

نامزد اسکار بهترین چهره پردازی، صدا
پردازی و تدوین صدا، نامزد جایزه بهترین
فیلمبرداری از انجمن فیلمبرداران آمریکا،
نامزد جایزه بافتا برای بهترین فیلم
پردازی، نامزد جایزه بهترین فیلم
خارجی از انجمن منتقدان رسانه‌ها، برنده

جایزه بهترین فیلمبرداری از انجمن منتقدان دالاس فورت ورت، نامزد جایزه گلدن گلاب
برای بهترین فیلم خارجی، نامزد جایزه بهترین فیلمبرداری از انجمن منتقدان اینترنتی،
نامزد جایزه بهترین فیلم خارجی از مراسم ساتلایت.

امپراطوری مایا، پس از دوران عظمت و شکوه گرفتار سرنوشتی همچون دیگر
امپراطوری‌های طول تاریخ شده و در معرض سقوط و فروپاشی غیر قابل
پیشگیری شده است. این سقوط با خود احساس بیچارگی را برای مردم به
ارمغان آورده و بدتر از آن زمینه ساز فشار ظالمانه اداره کنندگان امپراطوری بر
آنان شده است. ملت مایا در برابر این ستم که هر روز در زیر بار آن خرد میشوند،
دو راه بیشتر ندارند: اطاعت یا عصیان.



مل گیسون از مشهورترین و
پول سازترین بازیگران عصر
ماست. او مانند بسیاری از هم
نسلانش بعد از مدتی به پشت
دوربین کوچ کرد و بادومین فیلمی
که کارگردانی کرد نشان داد دل
بستگی زیادی به تاریخ دارد.
شجاع دل [۱۹۹۵] تاریخ اسکاتلند

را نشانه رفته بود و زندگی مردی جسور را که در برابر ستم شاهان انگلیسی عصیان
کرد، تصویری کرد. مصائب مسیح نیز باز پرداخت موضوعی تاریخی و جنجالی
را، با تمی گسترده تر از عصیان بشر در برابر وسوسه های شیطان و کور باطنی
دکان داران دین - بود و این بار گیسون دوربین خود را به ۶۰۰ سال قبل برده تا با
صرف ۴۰ میلیون دلار فروپاشی یکی از بزرگترین تمدنهای کهن جهان و عصیان
خلق در برابر حکام ظالم را به تصویر بکشد. فیلمی که به شکلی جسورانه به زبان
ناآشنای مایا ساخته شده [مانند مصائب مسیح که به زبانهای آرامی و عبری بود] در تمام
کشورهای دنیا با زیرنویس به نمایش گذاشته شده است. فیلم همچون شجاع دل
ساختاری حماسی و باشکوه و مدت زمان نمایشی طولانی و آکنده از خون
ریزی دارد و خوشبختانه کسل کننده نیست. این حمام خون که میتواند بسیاری
را از تماشای فیلم دل زده و طرفداران مارکی دوساد را خشنود کند، سرشت
واقعی سقوط تمدنهای بزرگ را به خوبی نشان میدهد. تمدن قوم مایا که به
گفته ویل دورانت یکی از بزرگترین تمدنهای بشری بود و بعنوان یک استثنا
توسط تمدن زورمند دیگری نابود نشد، بلکه از درون فرو پاشید. شاید همین امر
انگیزه اصلی گیسون در نمایش شامگاه مایا باشد، اما طبیعت گرایی نهفته در
بطن فیلم به همراه قصه عاشقانه اش آن را به یکی از بهترین فیلمهای سال قبل و
نقطه اوج دیگری در کارنامه فیلمسازی گیسون تبدیل میکند. نکته جالب برای
خوانندگان هموطن حضور یک ایرانی در کنار مل گیسون [دومین ایرانی در مراسم اسکار
امسال بعد کامی عسگر صابردار] است. فرهاد صفی نیا ریاضیدان ایرانی تباری که در لندن
بزرگ شده و این اولین تجربه نویسندگی و تهیه کنندگی او به شمار میرود.

ادامه از صفحه ۱۰...

بدهیم هرگاه لازم شود زمان لازم مردن در مسیح در
طول زمان مسیحیت ما نیست بلکه در ابتدای مسیحی
شدن مایا باشد و اگر این حقیقت برای کلیساروشن نشود
کلیسا همواره در فکرایست که چه وقتی زمان لازم
برای مردن با مسیح است و چه زمانی مناسب اینکار
نیست و شیطان با آن مسیحی که هنوز در انسانیت
کهنه اش بامسیح در جمعه نیک نمرده و دفن نشده وبا
مسیح در روز یکشنبه قیام برنخاسته برنامه های باور
نکردنی و غیر قابل پیش بینی و غیر قابل حلس و
گمانی دارد ولو این که این ایماندار متعلق به بزرگترین
معروفترین و عالیترین کلیسا یا زیر دست روحانیترین
مقدسترین متبحرترین و مقتدرترین شان در تمام عالم
باشد فراموش نکنیم بطرس سه سال ونیم عضو
کلیسای بود که عیسی خداوند شخصاً آنرا شانی
میکرد و در هر جلسه این کلیسا تمام مریضان شفا
میافتند تمام مردگان زنده میشدند تمام طوفانها آرام
میشد و در تمام ایام برپایی این کلیسا حتی یکبار ثبت
نشده که شبان این کلیسای کسی دعا کرده باشد و
او ناامید و بی جواب و گرسنه و دردمند کلیسا را ترک
کرده باشد دوست عزیزم مشکل من و شما نه کلیساست
نه شبان نه برنامه ها نه شرایط نه نوع مسیحی بودن
دیگران و نه طرز برخورد آنها با ما مشکل اصلی ما
اینست که هنوز میگویم هرگاه لازم شود کلمه شود
یعنی بنابه تشخیص شخصی من هنوز وقتش نشده است
روز جمعه نیک، روز یادبود مرگ مسیح بر صلیب،
من و شما میتوانیم با مرگ مسیح در انسانیت کهنه مان
بمیریم تا با قیام فرمندان او نیز قیام کنیم.
در خاتمه شما را با این آیه به خداوند میسپارم / نیک الحال
زمان مقبول است / نیک الان روز نجات است. دوم قرینان ۲۶

مریم مقدس

ای مریم مقدس، ترا قدوس کردند.

گول خردگان شیطان، دور و برت بگردند.

این شکل و این بت تو، در کلیسا گذارند.

ترا پرستش کنند، جای عیسی ستایند.

زاییدی تو پسری، آدم بود و خداوند.

همان یگانه معصوم، که آزاد کرد از بند.

عیسی فدای ما شد، با عشق و با محبت.

او با فیض الهی، برد از دنیا نکبت.

بالتر از همه نام، امانویل، او با ماست.

خدایی که آدم شد، از قبر هم او برخاست.

گروه ای از نور عالم، <http://norehaalam.blogfa.com>



Ingredients: (4 servings)

Basmati or long-grain rice, 1 pound
Chicken, 1 pound
Cooking oil & Butter
Barberries (dried), four spoons
Sugar, 1 spoon
Onions, 2 large
Saffron, 1/2 teaspoon
Salt & Black pepper

Directions:

Remove the skin from chicken pieces. Marinate chicken in grated onions, salt and pepper for 4-5 hours. Cook rice, polow or kateh. Wash barberries twice with cold water and drain the water. Add sugar and fry in butter over medium heat for about five minutes. Pour saffron in a small bowl. Pour in 2-3 spoons of hot water and mix. Fill the bowl with rice and mix well. Add saffron-rice and barberries to the rest of the rice and mix well. Cook chicken under grill for 15-20 minutes turning each piece a few times during cooking. Serve with barberry-rice.

مفتخریم دو کتاب جدید را معرفی کنیم.
در صورتی که علاقمند هستید می توانید با
خدمات فارسی زبان با آدرس وب سایت
www.persianwo.org
و یا با دفتر ماهنامه به شماره
تلفن ۱۵۲۵.۵۲۲.۸۱۸ تماس حاصل فرمایید.
اطلاعات در مورد کتابها در زیر آمده است.

خانواده مسیحی



نویسندگان: دکتر سیمیا شامسی

انتشارات سازمان خدمات جهانی، چاپ ۲۰۰۴ آمریکا

۷۹ صفحه و کد کتاب FA-500250-B

بها ۴ دلار آمریکا به اضافه هزینه پستی

و خداوند مرا تعلیم داد پس دانستم
از کتاب ارمیا نبی باب ۱۱ آیه ۱۸ الف



نویسندگان: دکتر سیمیا شامسی

انتشارات سازمان خدمات جهانی، چاپ ۲۰۰۴ آمریکا

۳۵۲ صفحه و کد کتاب FA-200009-B

بها ۸ دلار آمریکا به اضافه هزینه پستی

A Brief History of Christianity in IRAN

By: Massoume Price,

In their literature they identify themselves as 'pure ones', 'just ones' or 'people of God'. Distinctions are made between ethnic Christians, nasraye and deported ones and their descendants called Krestyane. They also referred to themselves as misihaye (those who believe in Messiah (Massih)). Shapour's peace treaty with Emperor Jovian halted the persecutions for a while (AD363). By this treaty, Mesopotamia and Armenia came under the control of Persia. In AD409, the Persian king Yazdegerd I, by an edict of toleration brought an end, for the time being, to the persecution of Christians. He had a Jewish wife and was well disposed towards both Judaism and Christianity and in fact was called the 'Christian King' by some. The edict allowed Christians to publicly worship and to build churches. The peace helped the Christian community to re-organize its life. Tensions eased further when Iranian Christians created their own ecclesiastical organizations with its own hierarchy and eventually became independent from the Western Church. Though Rome and Constantinople were the centers of the so-called 'Orthodox Christianity', many Christian groups particularly in Mesopotamia opposed their policies and doctrines. In 410, a meeting of Christians was held at the Persian capital under the presidency of Mar Isaac, the bishop of Ctesiphon. An independent new Church was announced and the leader

was called 'Catholicos Patriarch'. The council confirmed Mar Isaac as the first Catholicos and Archbishop of all the Orient. The Synod (Ecclesiastical/Church council) also declared its adherence to the decision of the Council of Nicea in Rome and subscribed to the Nicene Creed. Though the church was not fully independent from Rome as yet, Yazdegerd approved of the organization of the Persian church on this basis and issued an edict giving recognition to the Catholicos as the head of the Persian church. Christians in Iran received a definite standing among the population, with freedom to manage their own affairs, but answerable to the state authorities through the Catholicos who became a civil as well as a religious head. The decree also dictated that the election of a Catholicos had to be approved by the king and he became king's nominee. Early in Yazdegerd's reign Maruthas, a Mesopotamia bishop represented the Roman Emperor at the Persian Court. He was instrumental in re-organizing the Persian Church and spreading Christianity further in Iran and Nisibis became a strong Christian center. Later in the reign of Yazdegerd, the Persian bishop, Abdas of Susa destroyed a Zoroastrian temple in the city; the king ordered the bishop to restore the building at his own expense. Abdas refused and the result was the order by the king to destroy all churches. Before long the destruction of churches developed into a general persecution, in which Abdas was one of the first martyrs. When Yazdegerd died in 420, and was succeeded by his son Bahram V, the persecution continued, and large numbers of Christians fled across the frontier into Roman territory. Bahram demanded the surrender of the Christian fugitives, and once again war was declared against Rome in 422. Although the latter half of the fourth and the beginning of the fifth century was a period of conflict in the Eastern

Provinces, the period was also a time of expansion for the Christian Church and of literary activity. This literary and ecclesiastical development led to the formation of a Syriac literature in Persia (Syriac being the liturgical language of the Persian Church), and ultimately of a Christian Persian literature. By 420 there were 5 metropolitans including two at Merv and Heart and bishop Dadyeshu was elected Catholicos. He was imprisoned a year later and internal divisions and disputes were intensifying at the time amongst different Christian denominations. During the rule of Bahram V (421-438) the third synod of the church introduced a radical change. The Synod of Dadyeshu met in 424 under the presidency of Mar Dadyeshu. The first synod of Isaac in 410 had decided that the Catholicos of Seleucia-Ctesiphon be supreme among the bishops of the East. The Synod of Dadyeshu decided that the Catholicos should be the sole head of the Persian church with no one above him. In particular it was laid down that "easterners shall not complain of their Patriarch to the western Patriarchs; every case that cannot be settled by him shall await the tribunal of Christ." This meant that their Catholicos was answerable to God only and not to Rome, Antioch, Alexandria or Constantinople. Six metropolitans and thirty conventional bishops from all over Persia elected Dadyeshu and he became the first Catholicos equal in rank and authority to any western Patriarchate. This gave the Iranian church the privilege of independent administration and freedom from outside jurisdiction. For a while King Yazdegerd II (439-457 AD) welcomed the move and sent the Patriarch of the Persian Church on a mission to meet the Roman Emperor.

TO BE CONTINUED

Muslims in Turkey

Murder Three Christians
by Compass Direct

ISTANBUL, April 19 (Compass Direct News)

—In a gruesome assault against Turkey's tiny Christian community, five young Muslim Turks entered a Christian publishing office in the southeastern province of Malatya and slit the throats of the three Protestant Christians present.

Two of the victims, Necati Aydin, 36, and Ugur Yuksel, 32, were Turkish converts from Islam. The third man, Tilmann Geske, 46, was a German citizen. The Turkish press reported that four of the five young men, all 19 to 20 years of age, admitted during initial interrogations that they were motivated by both "nationalist and religious feelings." "We did this for our country," an identical note in the pockets of all five young men read, Channel D television station reported. "They are attacking our religion." According to today's Hurriyet newspaper, one of the suspects declared during police questioning, "We didn't do this for ourselves. We did it for our religion. May this be a lesson to the enemies of religion." Turkish law, however, guarantees the right to engage in religious evangelism if it does not contain proven political motives. The three Christians were found tied hand and foot to chairs in the liaison office of Zirve Publishing in Malatya's Niyazi Misir-i district. Their throats had been cut and their bodies marred by multiple stab wounds. Both Aydin and Geske were already dead when local police discovered their bodies. Police had received a call from a nearby office in the building about a disturbance happening in the Christian publishing house's third-floor office. Although Yuksel was still breathing and rushed to a nearby hospital for massive blood transfusions, he expired soon afterwards.

kids only

The world's known tallest man is Robert Pershing Wadlow 2.55m (8ft. 11.1 in.).



The world's tallest animal is a giraffe 5.49m (18 ft.).



The world's tallest woman is Sandy Allen 2.35m (7 ft. 7 in.).

The giant who fought David in the Bible was 2.97m (9ft. 9 in.) tall.

MAGAZINE

The Change Magazine

Tabdil@iranforchrist.com
www.IRANforChrist.com

TEL: 818. 522. 1525

P. O. Box 371043
Reseda, CA 91337 USA